

جزء سوم

این جزء از آیه 253 سوره بقره آغاز و تا
آیه 92 سوره آل عمران ادامه دارد

ahlolbait.com

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ ۖ وَرَفَعَ
 بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ
 الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
 الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾

از آن فرستادگان برخی را بر برخی برتری بخشیدیم. از آنان کسی است که خدا با او سخن گفت، و برخی از آنان را درجات و مراتبی بالا برد. و عیسی بن مریم را دلایل و نشانه های روشن دادیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم. و اگر خدا می خواست کسانی که بعد از آنان [در طول قرون و اعصار] آمدند، پس از آنکه دلایل و براهین روشن به آنان رسید، با هم نمی جنگیدند، ولی [درباره ایمان و کفر با هم] اختلاف کردند، پس برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند، قطعاً خدا اگر می خواست نمی جنگیدند، ولی خدا آنچه را می خواهد [از روی حکمت و مصلحت] انجام می دهد. (۲۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ
الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

ای اهل ایمان! از آنچه به شما روزی کرده‌ایم انفاق کنید، پیش از
آنکه روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه
شفاعتی؛ و تنها کافران ستمکارند. (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَهُ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا
شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده و قائم به ذات [و مدبر و برپا دارنده و نگه دارنده همه مخلوقات] است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی‌گیرد، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه را پیش روی مردم است [که نزد ایشان حاضر و مشهود است] و آنچه را پشت سر آنان است [که نسبت به آنان دور و پنهان است] می‌داند. و آنان به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر به آنچه او بخواهد. تخت [حکومت، قدرت و سلطنت]ش آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنان بر او گران و مشقت آور نیست؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۵۵)

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۖ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ
 بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا
 انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست. (۲۵۶)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها [ی جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گرانند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌ها‌اند. (۲۵۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ
 إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبْرَاهِيمُ
 فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي
 كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

آیا [با دیده عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می کند و می میراند [او] گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. [و برای مشتبّه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کردند، یکی را آزاد و دیگری را کشت. [ابراهیم [برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن] گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبهوت شد. و خدا گروه ستم گر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی کند. (۲۵۸)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ
 بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ
 بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۗ
 وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ
 نَكْسُوهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

یا چون آن کسی که به دهکده ای گذر کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود [و اجساد ساکنانش پوسیده و متلاشی به نظر می آمد] گفت: خدا چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خدا او را صد سال میراند، سپس وی را برانگیخت، به او فرمود: چه مقدار [در این منطقه] درنگ کرده ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده ام. [خدا] فرمود: بلکه صد سال درنگ کرده ای! به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر که [پس از گذشت صد سال و رفت و آمد فصول چهارگانه] تغییری نکرده، و به دراز گوش خود نظر کن [که جسمش متلاشی شده، ما تو را زنده کردیم تا به پاسخ پرسشت برسی و به واقع شدن این حقیقت مطمئن شوی]، و تا تو را نشانه ای [از قدرت و ربوبیت خود] برای مردم [در مورد زنده شدن مردگان] قرار دهیم، اکنون به استخوانها [ی دراز گوشت] بنگر که چگونه آنها را برمی داریم و به هم پیوند می دهیم، سپس بر آنها گوشت می پوشانیم. چون [کیفیت زنده شدن مردگان] بر او روشن شد، گفت: اکنون می دانم که یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۲۵۹)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أُولَٰئِكَ
 تُؤْمِنُ ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ
 الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ
 ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟
 [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده ای؟! گفت: چرا، ولی
 [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد. [خدا] فرمود: پس چهار پرنده بگیر و آنها را
 [برای دقت در آفرینش هر یک] به خود نزدیک کن، و [بعد از کشتن، ریز ریز کردن و مخلوط
 کردنشان به هم] بر هر کوهی [در این منطقه] بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که
 شتابان به سویت می‌آیند؛ و بدان که یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶۰)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ
 سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ^{قُلْ} وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ
 يَشَاءُ ^{قُلْ} وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

مَثَلِ آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که
 هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد
 چند برابر می کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۱)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا
 أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى ۖ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
 عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، سپس منت و آزاری به دنبال
 انفاقشان نمی آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب
 است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۶۲)

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ ۗ وَاللَّهُ
غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾

گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه نسبت به
خشم و بد زبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش
آزاری باشد، و خدا بی نیاز و بردبار است. (۲۶۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي
يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ
كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا
يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که و صفش مانند سنگ سخت و خرابی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. (۲۶۴)

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ
 أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ
 فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه اش را دو چندان بدهد، و اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی می رسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۶۵)

أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ
 ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾

آیا یکی از شما دوست دارد که او را بوستانی از درختان خرما و انگور باشد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و برای وی در آن بوستان از هر گونه میوه و محصولی باشد، در حالی که پیری به او رسیده و دارای فرزندان ناتوان [و خردسال] است، پس گردبادی که در آن آتش سوزانی است به آن بوستان برسد و یک پارچه بسوزد؟ [ریا و منت و آزار به همین صورت انفاق را نابود می کند] این گونه خدا آیاتش را برای شما توضیح می دهد تا بیندیشید. (۲۶۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ
بِأَخْذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

ای اهل ایمان! از پاکیزه های آنچه [از راه داد و ستد] به دست آورده اید، و آنچه [از گیاهان و معادن] برای شما از زمین بیرون آورده ایم، انفاق کنید و برای انفاق کردن دنبال مال ناپاک و بی ارزش و معیوب نروید، در حالی که اگر آن را به عنوان حقّ شما به خود شما می دادند، جز [با] چشم پوشی [و دلسردی] نمی گرفتید و بدانید که خدا، بی نیاز و ستوده است. (۲۶۷)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يَعِدُكُم
مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

شیطان، شما را [به هنگام انفاق مال با ارزش] از تهیدستی و فقر می ترساند، و شما را به کار زشت [چون بخل و خودداری از زکات و صدقات] امر می کند، و خدا شما را از سوی خود وعده آمرزش و فزونی رزق می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۸)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ
خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

حکمت را به هر کس بخواهد می دهد، و آنکه به او حکمت داده
شود، بی تردید او را خیر فراوانی داده اند، و جز صاحبان خرد،
کسی متذکر نمی شود. (۲۶۹)

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ قَلِيلًا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾

و هر نفقه ای که انفاق کردید و هر نذری را که برعهده گرفتید، یقیناً خدا آن را می داند، [در نتیجه فرمانبر را پاداش می دهد و ستمکار به آیات خدا و حقوق مردم را عذاب می کند] و برای ستمکاران در قیامت یآوری نیست. (۲۷۰)

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ^ط وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُوتُوهَا
 الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ^ج وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ ^ق وَاللَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾

اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، کاری نیکوست، و اگر آنها را پنهان دارید و به
 تهیدستان دهید برای شما بهتر است؛ و خدا [به این سبب] بخشی از
 گناهانتان را محو می‌کند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۲۷۱)

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا
 مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ ۗ وَمَا
 تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۲﴾

[ای پیامبر!] هدایت آنان [به سوی اخلاص در انفاق و ترک منت و آزار] بر عهده تو نیست، [وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است] بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. [ای اهل ایمان!] و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا. و آنچه از مال [با ارزش و بی عیب] انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت. (۲۷۲)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي
 الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا
 يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْآفَاقًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۷۳﴾

[صدقات] حقّ نیازمندی است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده‌اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی‌توانند در زمین سفر کنند؛ فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی و عفتی که دارند توانگر و بی‌نیاز می‌پندارد. [تو ای رسول من!] آنان را از سیمایشان می‌شناسی. [آنان] از مردم به اصرار چیزی نمی‌خواهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال [با ارزش و بی‌عیب] انفاق کنید، یقیناً خدا به آن داناست. (۲۷۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۴﴾

کسانی که [چون علی بن ابی طالب (علیه السلام)]

اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد
پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه
اندوهگین می شوند. (۲۷۴)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ
 الْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ
 الرِّبَا ۚ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ
 وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

کسانی که ربا می‌خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی‌خیزند، مگر مانند به پای
 خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته]
 است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش
 را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود]
 بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده، مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و
 کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان
 اهل آتش اند، و در آن جاودانه اند. (۲۷۵)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾

خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد؛ و خدا
هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (۲۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَآتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
 هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۷﴾

مسلمانان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه
را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (۲۷۸)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ^{صَلَّى} وَإِنْ ثُبُتُمْ
فَلََكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾

واگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و
رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه های شما برای خود
شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم
می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید. (۲۷۹)

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَنْ تَصَدَّقُوا
 خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾

و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید؛ و
 بخشیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را
 ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (۲۸۰)

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ^{صَلِّ} ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

و پروا کنید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس به هر کس آنچه انجام داده، به طور کامل داده می شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند [زیرا هر چه را دریافت می کنند، تجسم عینی اعمال خودشان است]. (۲۸۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُبَ
بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ
وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ
بِالْعَدْلِ ۚ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ ۖ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ
وَأَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا
ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی، دادید، لازم است آن را بنویسید. و باید نویسنده
ای [سندش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد. و نباید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که
خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد. او باید بنویسد، و کسی که حق به عهده اوست
باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق
چیزی را نکاهد. و اگر کسی که حق به عهده اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولی
و سرپرست او به عدالت املا کند. و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود،
یک مرد و دوزن را از میان شاهدانی که می‌پسندید، شاهد بگیرید تا اگر یکی از

الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا
 أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۗ^ط
 إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا
 تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِنْ تَفَعَّلُوا
 فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

آن دوزن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند. و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت
 شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزند، و از نوشتن [سند وام] تا سرآمد معینش، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید، این
 [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در جنس وام، اندازه آن و زمان پرداختش] شک نکنید
 [و ستیز و نزاعی پیش نیاید،] نزدیک تر است. مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست
 می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و هرگاه داد و ستد کنید، شاهد بگیرید. و نباید به
 نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبان گیر شما شده است و از خدا پروا
 کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست. (۲۸۲)

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ
 أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۗ قُلْ
 وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۗ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۸۳﴾

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای [برای ثبت سند] نیافتید، وثیقه های دریافت شده [جایگزین سند و شاهد] است. و اگر یکدیگر را امین دانستید [وثیقه لازم نیست] پس باید کسی که امینش دانسته‌اند، امانتش را ادا کند. و از خدا پروردگار خود، پروا نماید و [شما ای شاهدان!] شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. (۲۸۳)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي
 أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ
 وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی
 خداست، و اگر آنچه [از نیت‌های فاسد و افکار باطل] در دل دارید آشکار کنید یا
 پنهان سازید، خدا شما را به آن محاسبه می‌کند؛ پس هر که را بخواهد می‌آمرزد، و هر
 که را بخواهد عذاب می‌کند؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۲۸۴)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ
 وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا
 سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و
 فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش، ایمان آورده‌اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند]:
 ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم،
 پروردگارا! آمرزشت را خواهیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (۲۸۵)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
 اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
 عَلَيْنَا إِمْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا
 مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ط وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۸۶﴾

خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند. هر کس عمل شایسته ای انجام داده، به سود اوست، و هر کس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست. [مؤمنان گویند:] پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا مرتکب اشتباه شدیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکالیف سنگینی برعهده ما مگذار، چنان که بر عهده کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! و آنچه را به آن تاب و توان نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را بیامرز؛ و بر ما رحم کن؛ تو سرپرست مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز فرما. (۲۸۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

الم (۱)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾

خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده و قائم به ذات [و

مدبّر و برپا دارنده و نگه دارنده همه مخلوقات] است. (۲)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣﴾

این کتاب را تدریجاً به حق و راستی بر تو نازل کرد که تصدیق
کننده کتاب های پیش از خود است؛ و تورات و انجیل را (۳)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ^{ق٤} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ^{ق٤} وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٤﴾

پیش از این برای هدایت مردم فرستاد، و فرقان را [که مایه جدایی حق از باطل است]
نازل کرد. مسلماً کسانی که به آیات خدا کافر شدند، برای آنان [به کیفر کفرشان]
عذابی سخت است؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ ﴿٥﴾

یقیناً چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نیست. (۵)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾

اوست که شما را در رحمها [ای مادران] به هر گونه که می خواهد
تصویر می کند. جز او هیچ معبودی نیست؛ توانای شکست
ناپذیر و حکیم است. (۶)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ
 مُتَشَابِهَاتٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ
 الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ
 يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾

اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن کتاب، آیات محکم است [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن است] آنها اصل و اساس کتاب اند، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که کلماتش غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار تفسیر نمی شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف [از هدایت الهی] است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیر [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می کنند، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آنها را جز خدا نمی داند. و استواران در دانش [و چیره دستان در بینش] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند. (۷)

رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
رَحْمَةً ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾

[و می گویند:] پروردگارا! دل هایمان را پس از آنکه هدایتمان
فرمودی منحرف مکن، و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا
تو بسیار بخشنده ای. (۸)

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ
الْمِيعَادَ ﴿٩﴾

پروردگارا! قطعاً تو در روزی که هیچ شکی در آن نیست،
گردآورنده همه مردمی؛ مسلماً خدا خلف وعده نمی‌کند. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ
اللَّهِ شَيْئًا^ط وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾

یقیناً اموال و فرزندان کافران هرگز چیزی از [عذاب] خدا را
از آنان برطرف نمی‌کند؛ و اینانند که آتشگیره آتش‌اند. (۱۰)

كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ^ق وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾

[روشِ آنان] مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند که آیات ما را تکذیب کردند، پس خدا هم آنان را به گناهانشان مؤاخذه کرد؛ و خدا سخت کیفر است. (۱۱)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ
الْمِهَادُ ﴿١٢﴾

به کافران بگو: به زودی شکست می خورید و به سوی دوزخ
محشور می شوید، و آن بد آرامگاهی است. (۱۲)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا^ط فِئَةٌ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ^ج وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ
 مَنْ يَشَاءُ^ظ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾

تحقیقاً برای شما در دو گروهی که [در جنگ بدر] با هم رو به رو شدند، نشانه ای [از قدرت خدا و حقایق نبوت پیامبر] بود، گروهی در راه خدا می جنگیدند، و گروه دیگر کافر بودند، که اهل ایمان را به چشم خویش دو برابر می دیدند [به همین خاطر شکست خوردند] و خدا هر که را بخواهد با یاری خود تأیید می کند؛ مسلماً در این [واقعیت] عبرتی برای دارندگان بصیرت است. (۱۳)

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ
 الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ
 وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ

الْمَابِ (۱۴)

محبت و عشق به خواستنی‌ها [که عبارت است] از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ اینها کالای زندگی [زودگذر] دنیاست؛ و خداست که بازگشت نیکو نزد

اوست. (۱۴)

قُلْ أَوْ نَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ
وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ قَلِيلٌ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

بگو: آیا شما را به بهتر از این [امور] خبر دهم؟ برای آنان که [در همه شؤون زندگی]
پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، در نزد پروردگارشان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان]
آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه‌اند و [نیز برای آنان] همسرانی پاکیزه و
خشنودی و رضایتی از سوی خداست؛ و خدا به بندگان بیناست. (۱۵)

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ ﴿١٦﴾

آنان که می گویند: پروردگارا! قطعاً ما ایمان آوردیم، پس
گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار. (۱۶)

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ
بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾

آنان که صبر کنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق
کنندگان و استغفار کنندگان در سحرهایند؛ (۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا
بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام متقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می دهد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهند که هیچ معبودی جز او نیست؛ معبودی که توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ
 يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

مسلماناً دین [واقعی که همه پیامبران مبلّغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به حقیقت آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی، سریع است. (۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ^{قُلْ} وَقُلْ لِلَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ^ج أَسَلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ^ط وَإِنْ
 تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ^{قُلْ} وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

پس اگر با تو جدال و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانم وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم. و به اهل کتاب و به بی سوادان [مشرک] بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ پس اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گرداندند [بر تو دشوار و سخت نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] است؛ و خدا به بندگان بیناست. (۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ
 وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ
 بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾

کسانی که پیوسته به آیات خدا کفر می‌ورزند، و همواره پیامبران را
 به ناحق می‌کشند، و از مردم کسانی را که امر به عدالت می‌کنند
 به قتل می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

آنان کسانی اند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر
شده، و برای آنان هیچ یآوری نخواهد بود. (۲۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ
 كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ
 مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

آیا به کسانی که بهره ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا خوانده می شوند تا در میان آنان [درباره احکام الهی و نبوت پیامبر اسلام] داوری کنند؟ سپس گروهی از آنان در حالی که اعراض کننده [از حق و حقیقت] اند، روی می گردانند. (۲۳)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ ۖ
وَعَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

این روی گردانی به خاطر آن است که گفتند: هرگز آتش [دوزخ در روز قیامت] جز چند روزی به ما نمی‌رسد و آنچه همواره افترا و دروغ [به خدا] می‌بستند، آنان را در دینشان مغرور کرده است. (۲۴)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

پس چه خواهند کرد، هنگامی که آنان را برای روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم، و به هر کس آنچه [از نیک و بد] به دست آورده، به طور کامل داده شود، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۵)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ
 مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۗ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۗ
 إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

بگو: خدایا! ای مالک همه موجودات! به هر که خواهی حکومت می دهی و از
 هر که خواهی حکومت را می ستانی، و هر که را خواهی عزت می بخشی و هر
 که را خواهی خوار و بی مقدار می کنی، هر خیری به دست توست، یقیناً تو بر
 هر کاری توانایی. (۲۶)

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَنْ
 تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾

شب را در روز در می آوری و روز را در شب در می آوری، و زنده
 را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری؛ و هر
 که را بخواهی بی حساب روزی می دهی. (۲۷)

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ^ط
 وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ
 تُقَاةً ^{قل} وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ^{قل} وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾

مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید به سبب دفع خطری که متوجه شماست از آنان تقیه کنید؛ خدا شما را از [عذاب] خود بر حذر می‌دارد، و بازگشت [همه] به سوی خداست. (۲۸)

قُلْ إِنْ تَخْضُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ قُلْ وَيَعْلَمُ
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ قُلْ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

بگو: اگر آنچه [از نیت های فاسد و افکار باطل] در سینه های شماست،
پنهان دارید یا آشکار کنید، خدا آن را می داند. و نیز آنچه را در آسمان ها و
آنچه را در زمین است، می داند و خدا بر هر چیز تواناست. (۲۹)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا
 عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۗ
 وَيُحْذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾

روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه را از کار زشت مرتکب شده حاضر شده می‌یابد، و آرزو می‌کند که ای کاش میان او و کارهای زشتش زمان دور و درازی فاصله بود. و خدا شما را از [عذاب] خود برحذر می‌دارد؛ و خدا به بندگان مهربان است. (۳۰)

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
ذُنُوبَكُمْ قُلْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم
شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده
و مهربان است. (۳۱)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ط فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند
[بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد. (۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ
عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾

بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر
شایستگی های ویژه ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید. (۳۳)

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ^{قُلْ} وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

فرزندانی [را برگزید] که [از نظر پاکی، تقوا، درستی و راستی] برخی از

[آنان از نسل] برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست. (۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي
 بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾

[یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که
 آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من]
 آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر؛ یقیناً تو شنوا و دانایی. (۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
 بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثَىٰ ۗ وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ
 وَاِنِّي اَعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ ﴿۳۶﴾

زمانی که او را زاید، گفت: پروردگارا! من او را دختر زاییدم. و خدا به آنچه او زاید دانتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست؛ [پس در مقام نام گذاریش گفت:] البته من نامش را «مریم» نهادم، و او و فرزندان او را از خطرات مهلک و وسوسه های بنیان برانداز شیطان رانده شده به پناه تو می آورم. (۳۶)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ
 كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۖ قَالَ يَا
 مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ

يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۷﴾

پس پروردگارش او را به صورت نیکویی پذیرفت، و به طرز نیکویی نشو و نما داد، و زکریا را کفیل [رشد و تربیت معنوی] او قرار داد. هر زمان که زکریا در محراب [عبادت] بر او وارد می شد، رزق ویژه ای نزدش می یافت. [روزی در کمال شگفتی] گفت: ای مریم! این رزق ویژه برای تو از کجاست؟! گفت: از سوی خداست، یقیناً خدا هر کس را بخواهد، رزق بی حساب می دهد. (۳۷)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ^ط قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
 طَيِّبَةً ^ط إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

در آنجا بود که زکریا [با دیدن کرامت و عظمت مریم] پروردگار
 خود را خوانده، گفت: پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاک و
 پاکیزه عطا کن، یقیناً تو شنوای دعایی. (۳۸)

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ
يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا
وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾

پس فرشتگان، او را در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق کننده کلمه ای از سوی خدا [یعنی مسیح] است و سرور و پیشوا، و [از روی زهد و حیا] نگاهدار خود از مُشتهیات نفسانی، و پیامبری از شایستگان است. (۳۹)

قَالَ رَبِّ اَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَاَمْرًا
يَايَ عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذٰلِكَ اَللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿٤٠﴾

گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که پیری به من رسیده و همسرم نازاست؟ خدا فرمود: چنین است [که می گویی، ولی کار خدا مُقَيَّد به علل و اسباب نیست] خدا هر چه را بخواهد [با مشیّت مطلقه خود] انجام می دهد. (۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۖ قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ
 أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا ۖ وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ
 وَالْإِبْكَارِ ﴿٤١﴾

گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای [جهت الهی بودن این بشارت] قرار ده. گفت:
 نشانه تو این است که سه روز نتوانی با مردم جز با رمز و اشاره سخن گویی، و
 پروردگارت را بسیار یاد کن و [اورا] شام گاه و بامداد تسبیح گوی. (۴۱)

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ
وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾

و [یاد کنید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خدا تو را
برگزیده و [از همه آلودگی های ظاهری و باطنی] پاک ساخته، و
بر زنان جهانیان برتری داده است. (۴۲)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ
الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾

ای مریم! فروتنانه برای پروردگارت به طاعت برخیز و سجده
به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع کن. (۴۳)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

این [حقایق] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم. و تو هنگامی که آنان قلم
های خود را [به عنوان قرعه زدن در آب] می‌انداختند که کدامیک از آنان سرپرستی
مریم را عهده دار شود، و نیز زمانی که [برای کفالت او] با یکدیگر جدال و ستیز
می‌کردند، نزد آنان نبودی. (۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ
اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

[یاد کنید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که در دنیا و آخرت دارای مقبولیت و آبرومندی و از مقربان است. (۴۵)

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾

و با مردم در گهواره [به صورت کاری خارق العاده] و در میان
سالی [با زبان وحی] سخن می گوید و از شایستگان است. (۴۶)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ ۗ قَالَ
 كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
 كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾

[مریم] گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! [خدا] فرمود: چنین است که می‌گویی [ولی کار خدا مُقید به علل و اسباب نیست،] خدا هر چه را بخواهد [با مشیت مطلقه خود] می‌آفریند، چون چیزی را اراده کند جز این نیست که به آن می‌گوید: «باش» پس بی‌درنگ می‌باشد؛ (۴۷)

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾

و به او كتاب و حكمت و تورات و انجيل مى آموزد. (۴۸)

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ أَنِّي أَخْلُقُ
لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ
الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

و به رسالت و پیامبری به سوی بنی اسرائیل می فرستد که [به آنان گوید:] من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه ای [بر صدق رسالتم] آورده ام؛ من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دمم که به اراده و مشیت خدا پرنده ای [زنده و قادر به پرواز] می شود؛ و کور مادرزاد و مبتلای به پستی را بهبود می بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم؛ و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم؛ مسلماً اگر مؤمن باشید این [معجزات] برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است؛ (۴۹)

وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ
 الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
 وَأَطِيعُوا ﴿٥٠﴾

وآنچه را از تورات پیش از من بوده، تصدیق دارم و [آمده ام] تا برخی از چیزهایی را که
 [در گذشته به سزای ستمکاری و گناهانتان] بر شما حرام شده حلال کنم، و برای شما
 نشانه ای [بر صدق رسالتم] از سوی پروردگارتان آورده ام؛ پس [ای بنی اسرائیل!] از
 خدا پروا کنید و مرا فرمان برید؛ (۵۰)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾

یقیناً خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را

پرستید، این است راه راست. (۵۱)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ط
قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: [برای اقامه دین و سلوک و حرکت] کیانند یاران من به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاران خدایم، به خدا ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما در برابر خدا [و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۵۲)

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾

پروردگارا! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر پیروی کردیم؛
پس ما را در زمره گواهان [که پیامبران تواند] بنویس. (۵۳)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ^ط وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

و [کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آیینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است. (۵۴)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مَا جَعَلْتُمُ الْكُفْرَ وَالشِّرْكَ الْمُبَدِلَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ

تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی! من تو را [از روی زمین و از میان مردم] بر می گیرم، و به سوی خود بالا می برم، و از بودن در میان اجتماع آلوده کافران پاک می کنم، و آنان را که از تو پیروی کردند تا روز قیامت برتر از کسانی که کافر شدند قرار می دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است، و در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید [به حق و عدالت] داوری می کنم؛ (۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾

اما کسانی که کافر شدند، آنان را در دنیا و آخرت به عذابی سخت
شکنجه می‌کنم و برای آنان هیچ یآوری نخواهد بود؛ (۵۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾

و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، خدا پاداششان را به طور کامل می دهد؛ و خدا ستمکاران را [که به دین کافر شدند، یا از دین فقط به اسم آن قناعت کردند] دوست ندارد. (۵۷)

ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَیْكَ مِنَ الْآیَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِیْمِ ﴿۵۸﴾

این داستان هایی که بر تو می خوانیم از آیات [الهی] و

پندهای حکیمانه است. (۵۸)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ
 قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾

قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان
 آدم است که [پیکر] او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود
 زنده] باش؛ پس بی درنگ [موجود زنده] شد. (۵۹)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾

حق از [ناحیه] پروردگار توست؛ بنابراین از تردیدکنندگان

مباش. (۶۰)

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا
 نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ
 أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال
 وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیاید ما پسرانمان را و شما پسرانتان
 را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛
 سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ
لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾

یقیناً این [واقعیاتی که بیان شد،] همان داستان راست و درست [مسیح] است؛ [و
الوهیت او یا فرزند خدا بودنش از پندارهای واهی و ادعاهای باطل نصاری است] و
هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و یقیناً خداست که توانای شکست ناپذیر و حکیم
است. (۶۲)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾

چنانچه [با این همه دلایل روشن از اعتراف به توحید و پذیرفتن اسلام] روی گردانند، [بدانند که] یقیناً خدا به [وضع و حال] مفسدان آگاه است. (۶۳)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ
 إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ
 دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾

بگو: ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب
 های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را
 شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از
 دعوت به این حقایق] روی گردانند [تو و پیروانت] بگوید: گواه باشید که ما [در
 برابر خدا و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۶۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ
التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم مجادله و ستیز می کنید [شما قوم یهود، او را
یهودی می دانید، و شما گروه نصاری، او را نصرانی می شمارید] در حالی که
تورات و انجیل بعد از او نازل شد؛ آیا نمی اندیشید؟! (۶۵)

هَآ اَنْتُمْ هُوَ لَآءِ حَآجَجْتُمْ فِیْمَا لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّوْنَ
فِیْمَا لَیْسَ لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ ۚ وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۶۶﴾

آگاه باشید! شما کسانی هستید که درباره آنچه به آن آگاهی داشتید مجادله و ستیز کردید، [ستیز شما یهودیان با نصاری این بود که مسیح، فرزند خدا نیست، و ستیز شما نصاری با یهودیان این بود که عیسی دارای مقام نبوت است و ایمان به او واجب است،] پس چرا درباره آنچه به آن آگاهی ندارید [و آن آیین ابراهیم است] مجادله و ستیز می کنید؟! و خدا می داند و شما نمی دانید. (۶۶)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه یکتاپرست و حق
گرایی تسلیم بود، و از مشرکان نبود. (۶۷)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

مسلماناً نزدیک ترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند و انتساب معنوی]
 کسانی اند که [از روی حقیقت] از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که
 [به او] ایمان آورده اند [از همه به او نزدیک ترند] و خدا یاور و سرپرست
 مؤمنان است. (۶۸)

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾

گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که کاش شما را [از راه خدا]
گمراه کنند، در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، و [این
واقعیت را] درک نمی‌کنند. (۶۹)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ
تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا [در تورات و انجیل در باره
اوصاف پیامبر اسلام] کفر می ورزید در حالی که خودتان گواهی
می دهید [که این آیات از سوی خدا نازل شده است؟!] (۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ
وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾

ای اهل کتاب! چرا در حالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید،
حق را به باطل مُشْتَبِه می‌کنید، و حق را پنهان می‌دارید [تا مردم
گمراه بمانند؟!] (۷۱)

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ
 الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَانكُفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾

و گروهی از [عالمان] اهل کتاب [به پیروان خود] گفتند: اول روز به آنچه [از آیات قرآن] بر مؤمنان نازل شده [به مکر و حيله] ایمان آورید، و در پایان روز کفر ورزید، شاید [مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتند و] از دینشان بازگردند!! (۷۲)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ
يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ
الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

و [نیز گفتند: در توضیح حقایق] جز به کسی که از دینتان پیروی می کند، اطمینان نورزید [تا دیگران هدایت نیابند]. بگو: یقیناً هدایت، هدایت خداست. سپس گفتند: گمان نکنید آنچه به شما اهل کتاب [از نبوت، معجزه، قبله مستقل و آیات آسمانی] داده شده به کسی [از عرب و غیر عرب] داده شود، یا اینکه مؤمنان می توانند نزد پروردگارشان با شما محاجّه و گفتگو کنند. [در پاسخ یاوه های آنان] بگو: فضل و رحمت [که از جلوه هایش نبوت، کتاب، معجزه و قبله است،] به دست خداست، به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۷۳)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

هر که را بخواهد، به رحمت خود اختصاص می‌دهد و خدا
دارای فضل بزرگ است. (۷۴)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ
 إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۗ ذَٰلِكَ
 بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
 الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شماری، آن را به تو باز می گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را به یک دینار امین شماری، آن را به تو باز نمی گرداند، مگر آنکه همواره بالای سرش بایستی [و مال خود را با سخت گیری از او بستانی]. این به خاطر آن است که آنان گفتند: [چون ما اهل کتابیم] رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب بر عهده ما نیست، [و در ضایع کردن حقوق دیگران گناه و عقوبتی نداریم] و اینان [در حالی که باطل بودن گفتار خود را] می دانند بر خدا دروغ می بندند. (۷۵)

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

آری، هر که به پیمان خود [در تعهد به اجرای احکام دین] وفا کرد، و [در همه امور زندگی] تقوا پیشه ساخت، [بداند که] یقیناً خدا تقوا پیشگان را دوست دارد. (۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا
 خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

قطعاً کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را [برای رسیدن به مقاصد دنیایی] به بهای
 اندکی می فروشند، برای آنان در آخرت بهره ای نیست؛ و خدا با آنان سخن نمی گوید،
 و در قیامت به آنان نظر [لطف و رحمت] نمی نماید، و [از گناه و آلودگی] پاکشان
 نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود. (۷۷)

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ
 وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ
 اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

و از یهود گروهی هستند که هنگام [خواندن] دست نوشته‌ها [ی دروغ و بر بافته های خود]
 زبان [و صدایشان] را چنان پیچ و خم می دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می خوانند] از
 کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب [آسمانی] نیست؛ و [با بی شرمی] می گویند:
 آنچه می خوانیم از سوی خداست. در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می دانند [از
 سوی خدا نیست] به خدا دروغ می بندند. (۷۸)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ
 لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا
 كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾

هیچ انسانی را نسزد که خدا او را کتاب و حکمت و نبوت دهد، سپس به مردم بگوید:
 به جای خدا بندگان من باشید بلکه [تکلیف الهی و انسانی او اقتضا می کند به مردم
 بگوید:] به خاطر آنکه کتاب خدا را تعلیم می دادید، و به سبب آنکه آن را می خواندید،

دانشمندان «الهی مسلک» [و کاملان در دین] باشید. (۷۹)

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ
بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾

و نیز نَسزد که به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود
گیرید. آیا [چنین انسان والایی که دارای نبوت و حکمت است] شما را پس از
آنکه تسلیم [خدا و فرمانها و احکام او] شده اید، امر به کفر می کند؟ (۸۰)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ
 جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ
 أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۚ قَالَ
 فَاشْهَدُوا ۗ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾

و [یاد کنید] هنگامی که خدا از همه پیامبران [و امت هایشان] پیمان گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس [در آینده] پیامبری برای شما آمد که آنچه را [از کتاب های آسمانی] نزد شماست تصدیق کرد، قطعاً باید به او ایمان آورید و وی را یاری دهید. [آن گاه خدا] فرمود: آیا اقرار کردید و بر این [حقیقت] پیمان محکم مرا [به صورتی که به آن وفا کنید] دریافت نمودید؟ گفتند: اقرار کردیم. فرمود: پس [بر این پیمان] گواه باشید و من هم با شما از گواهانم. (۸۱)

فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾

پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم و استوار از آن] روی برتافتند

فقط آنان هستند که از دایره انسانیت بیرون شده‌اند. (۸۲)

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

آیا [اهل کتاب پس از این همه دلایل روشن] غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است از روی رغبت یا کراهت در برابر او [و اراده و فرمانش] تسلیم است، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. (۸۳)

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَأِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾

[ای پیامبر! از جانب خود و پیروانت به همه] بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] فرود آمده، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم، و ما در برابر او [و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۸۴)

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

و هر که جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته
نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. (۸۵)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

چگونه خدا گروهی را هدایت کند که بعد از آنکه ایمان آوردند، و به حقانیت
رسول اسلام شهادت دادند، و دلایل روشن و آشکار برای آنان آمد، کافر
شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۸۶)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ
أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

اینان کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه

مردم بر آنان است. (۸۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

در آن لعنت جاودانه اند ؛ نه عذاب از آنان سبک شود، و نه

مهلتشان دهند. (۸۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح

نمودند؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقْبَلَ
تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

مسلمانان کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، سپس بر کفر
[خود] افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و اینانند که

گمراهند. (۹۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ
 مِلَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

قطعاً کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز از هیچ یک از آنان [برای
 رهایی از عذاب] هر چند به اندازه آکندگی زمین از طلا فدیة و عوض دهد، پذیرفته
 نمی‌شود؛ برای آنان عذابی دردناک خواهد بود، و هیچ یآوری نخواهند داشت. (۹۱)

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ
شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

هرگز به [حقیقت] نیکی [به طور کامل] نمی‌رسید تا از آنچه دوست
دارید انفاق کنید؛ و آنچه از هر چیزی انفاق می‌کنید [خوب یا بد، کم
یا زیاد، به اخلاص یا ریا] یقیناً خدا به آن داناست. (۹۲)